

## سوگیری به نفع خود در پیش بینی موفقیت ازدواج با توجه به ویژگی‌های جور/ ناجور و قضاوت خوشبینانه\*

### Self-serving Bias in Predicting Marriage Success and Optimistic Judgment\*

Mehrnoush Foroudastan, M.A.

Hamid Reza Oreizy, Ph.D.

Aboulghassem Nouri, Ph.D.

مهرنوش فرودستان\*\*

دکتر حمیدرضا عریضی\*\*

دکتر ابوالقاسم نوری\*\*

#### Abstract

Self serving bias is persons tendency to attribute positive (affirmative) results to self and negative results to external causes. The purpose of this study was to determine the existence of self-serving bias in: (1) predicting marriage success according to matched and no-matched attributes and (2) optimistic judgment among the undergraduate students. Thus 212 individuals were randomly selected (107 girls, 105 boys) from Isfahan University. A hypothetical scenario (Vignette) including marriage fitness characteristics was presented to the participants. Data were analyzed by multiple regression method with effect categorizing coding and t-tests. The findings indicated that the subjects recognized a subset of matched attributes better than

#### چکیده

گرایش افراد در اسناد نتایج مثبت به خود و اسناد نتایج منفی به علل بیرونی، «سوگیری به نفع خود» نامیده می‌شود. هدف از این پژوهش تعیین وجود سوگیری به نفع خود در دوزمینه می‌باشد: ۱. پیش‌بینی موفقیت ازدواج با توجه به ویژگی‌های جور / ناجور، (یعنی تا چه حد آزمودنی‌ها ویژگی‌های جور یا هماهنگ با ویژگی‌های خود را با ازدواج موفق مرتبط می‌دانند) و ۲. قضاوت خوشبینانه، (یعنی احتمال وقوع رویدادهای مثبت برای خودشان تا چه حد بیشتر می‌دانند). بدین منظور، ۲۱۲ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه اصفهان (۱۰۷ دختر و ۱۰۵ پسر) به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. سپس یک سناریو با مطرح نمودن یک تحقیق فرضی با یک آزمودنی فرضی به عنوان محرک، در مورد ۱۶ ویژگی مناسب برای ازدواج به آنان ارائه شد. تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از روش رگرسیون چندگانه با کدگذاری طبقه‌ای تأثیر، آزمون t همبسته، آزمون t تک نمونه و آزمون t مستقل انجام گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که آزمودنی‌ها ویژگی‌های جور را برای پیش‌بینی موفقیت ازدواج، بهتر از ویژگی‌های ناجور می‌دانستند ( $p < 0/001$ ). نتایج این پژوهش

\* Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan I.R. Iran. ✉ mehr\_foroudastan@yahoo.com, Tel+98-311-66 64 140, Fax: 666 41 41

دریافت مقاله: ۱۳۸۵/۱۱/۸، تصویب نهایی: ۱۳۸۷/۲/۱۷  
\*\* دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

asubset of no-matched attributes ( $p < 0.001$ ). Also, the subjects judged optimistically about the possible occurrence of positive and negative events ( $p < 0.001$ ). The female subjects, judged more optimistic than the males did. Contrary to oriental cultures, it seems that self-serving bias is more common in Iranian culture.

**Keywords:** self-serving bias, prediction of marriage success, matched and no-matched attributes, optimistic judgment.

همچنین نشان داد که آزمودنی‌ها در مورد احتمال بروز حوادث مثبت و منفی برای خودشان به صورت خوشبینانه قضاوت می‌کنند. یعنی احتمال بروز حوادث مثبت برای خودشان را بیشتر می‌دانند ( $p < 0.001$ ). این نتایج، هر دو، فرضیه سوگیری به نفع خود را تأیید می‌نمایند. همچنین مشخص شد دختران خوشبینانه‌تر از پسران در مورد حوادث آینده قضاوت و پیش‌بینی می‌کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد که بر خلاف برخی از کشورهای آسیایی مانند چین و ژاپن، در فرهنگ ایرانی بیشتر از سوگیری به نفع خود استفاده می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** سوگیری به نفع خود، پیش‌بینی موفقیت ازدواج، ویژگی‌های اسنادی جورا ناجور، قضاوت خوشبینانه.



## ● مقدمه

یکی از تکالیف عمده افراد در تعامل اجتماعی، درک معانی و علل رفتار خود و دیگران است. فرایند «اسناد»<sup>۱</sup>، به تلاش ما جهت درک دلایل رفتار خودمان و رفتار دیگران اشاره دارد. با این که اسندهای ما، یعنی استنباط‌های ما از علل رفتار خودمان و دیگران اغلب منطقی و دقیق‌اند، ولی گاهی دچار خطا و سوگیری می‌شوند. گرایش اسناد نتایج مثبت و موفقیت‌ها به علل درونی و اسناد نتایج منفی و ناکامی‌ها به علل بیرونی، در کارهای مربوط به خود، «سوگیری به نفع خود»<sup>۲</sup> نامیده می‌شود و ظاهراً وقوع آن همگانی و آثار آن نیرومند است (بارون و راجرز، ۱۹۹۱). مثال‌های رایج این‌گونه سوگیری‌ها، توضیحات سیاستمداران پس از موفقیت یا شکست در انتخابات و توضیحات ورزشکاران پس از پیروزی یا شکست در بازی است. افراد موفق تمایل دارند تا به کار سخت و تلاش خود بها دهند، در حالی که افراد ناموفق همواره بر شرایط بیرونی مثل حریف و قضاوت داور تأکید می‌کنند (بارون و بیرن، ۲۰۰۴). نتایج چهار پژوهش کاند۱ (۱۹۸۷) نشان داد که افراد تمایل دارند در ایجاد و ارزیابی نظریه‌های علیّ از روش سوگیری به نفع خود استفاده کنند. آنان عقیده دارند نتایج مطلوب با ویژگی‌های خودشان بیشتر پیش‌بینی می‌شود. بنابراین این سوگیری باعث می‌شود افراد به صورت خوشبینانه و غیرواقعی گرایانه در مورد حوادث آینده قضاوت کنند. چنین خوش‌بینی‌هایی به میزان زیادی در حوزه‌های گوناگون زندگی مانند نتایج مالی، شغلی، روابط بین فردی، سلامتی و جرم ایجاد می‌شود.

چرا این خطا در اسنادهای مارخ می‌دهند؟ چندین نظریه ارائه شده که اکثر آنها در دو دسته جای می‌گیرند: تبیین‌های «شناختی» و تبیین‌های «انگیزشی» (راس و سیسولی، ۱۹۷۹). هر چند ممکن است هر دو عامل انگیزشی و شناختی در این خطای اسنادی نقش داشته باشند، به نظر می‌رسد که شواهد تحقیقی از تفسیر انگیزشی بیشتر حمایت می‌کنند (براون و راجرز، ۱۹۹۱).

هر فرهنگ به اعضای خود شیوه‌های متمایزی را برای درک خود و دیگران اعطا می‌کند. فرهنگ‌ها ممکن است به لحاظ فرض پایه‌ای خود پیرامون ماهیت انسان با یکدیگر متفاوت باشند، که این موضوع خود به تفاوت‌های بنیادی، در درک افراد از خود و دیگران، می‌انجامد (کاندا، ۱۳۸۴). بنابراین باید پدیده‌های روانشناسی اجتماعی، مانند سوگیری به نفع خود در فرهنگ‌های مختلف، مورد مطالعه قرار گیرد. صرفاً از دهه گذشته بررسی اثر فرهنگ در سوگیری به نفع خود توسط برخی روانشناسان اجتماعی آغاز شده است (تری یانديس، ۱۳۸۳). نتایج چندین تحقیق بیان می‌کند، که میزان سوگیری به نفع خود در بین فرهنگ‌های مختلف متفاوت است (او تینگن، ۱۹۹۵). به طور مثال، لی و سلینگمن (۱۹۹۷) دریافتند که در جوامع غربی مانند آمریکا بیشتر از جوامع آسیایی مانند چین، از سوگیری به نفع خود استفاده می‌شود. مطالعات کیتایاما و همکاران (۱۹۹۷) نشان داد که کشش آمریکایی‌ها به طرف سوگیری به نفع خود و کشش ژاپنی‌ها به سوی «انتقاد از خویش»<sup>۳</sup> با فرصت‌هایی که دو فرهنگ مهیا می‌کنند و همچنین با ساختار روانشناختی افرادی که در حیطه این دو فرهنگ زندگی می‌کنند، تقویت می‌شود. آمریکایی‌ها به نظر می‌رسد بیشتر فرصت‌هایی را پدید می‌آورند که «خود تقویت کننده»<sup>۴</sup> است و از میزان تناسب و اهمیت «تجربه‌های خوارکننده»<sup>۵</sup> احتمالی می‌کاهند. در مقابل، ژاپنی‌ها در فرهنگ کاملاً متفاوتی به سر می‌برند که به جای تقویت، «حرمت خود»<sup>۶</sup> را به چالش می‌کشند. در «فراتحلیل»<sup>۷</sup> مزالیس و همکاران (۲۰۰۴)، بر روی ۲۶۶ پژوهش، نشان داده شد که سه عامل «سن»، «فرهنگ» و «آسیب‌شناسی روانی» بر میزان این سوگیری تأثیر دارد. نمرات این سوگیری در آسیا ۰/۳، در آمریکا ۱/۰۵ و در اروپا ۰/۷ بود. میانگین این سوگیری در افراد دارای اختلال روانی، ۰/۴۸ بود. میانگین اندازه اثر در «افسردگی» ۰/۲، «اضطراب» ۰/۴۶ و «بیش‌فعالی» ۰/۵۵ بود.

در جامعه اسلامی ما، در موارد متعددی افراد پس از کسب موفقیت‌های بزرگ علمی، ورزشی، هنری، سیاسی و معنوی، توفیق خود را مرهون لطف خداوند می‌دانند یا به توکل اسناد می‌دهند (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲).

تیلور (۱۹۸۹) اظهار داشت که سوگیری به نفع خود می‌تواند منافع مهم موقتی در برداشته

باشد. وی با صدها نفر که با رویدادهای فاجعه آمیز یا نزدیک به فاجعه روبه رو شده بودند، مصاحبه کرد. مصاحبه‌های او با قربانیان تجاوز به عنف، بیماران سرطانی و کسان دیگری که دچار بیماری مهلک بودند، مشخص ساخت که رویداد فاجعه آمیز نه تنها این افراد را از پای در نیاورده بود، بلکه به آنان فرصت تازه‌ای برای ادامه زندگی، داده بود. این موضوع، به ویژه هنگامی صحت داشت که آنان آشکارا، تصور خوش بینانه‌ای در مورد امکان بهبود یافتن از بیماری داشتند و این، افراد را به انجام اقدامات بهداشتی بهتر و ایجاد راهبردهای مقابله با فشارهای زندگی هدایت کرد. سلیگمن (۱۹۹۱) در بازنگری انواع پژوهشها دریافته که این سبک «خوش‌بینانه»<sup>۱</sup> تفکر، به پیشرفت بیشتر، سلامتی بهتر و بهبود نگرش ذهنی، می‌انجامد. در ضمن این سوگیری می‌تواند علت بسیاری از اختلاف نظرهای میان افراد باشد. غالباً افرادی که با دیگران کار مشترکی انجام می‌دهند - به دلیل همین سوگیری - تصور می‌کنند او عمده کار را انجام داده است نه همکارانش. هم چنین این سوگیری باعث می‌شود افراد تصور کنند موفقیتشان ناشی از علل درونی و شایستگی است، ولی موفقیت‌های دیگران مربوط به علل بیرونی است. هم چنین به دلیل همین سوگیری، بسیاری از افراد اعمال منفی خود را منطقی و توجیه پذیر ولی اعمال مشابه از دیگران را غیر منطقی و توجیه ناپذیر قلمداد می‌کنند (بامیستر و همکاران، ۱۹۹۰).

یکی از عواملی که در «افسردگی» نقش دارد، این است که افراد افسرده بجای استفاده از سوگیری به نفع خود، از الگوی متضاد با آن، یعنی الگوی خوددشکنی استفاده می‌کنند. یعنی پیامدهای منفی را به علل درونی و پیامدهای مثبت را به علل بیرونی نسبت می‌دهند. آشکال جدید درمان بر وادارکردن افراد افسرده به تغییر دادن اسنادهایشان تمرکز دارد (بروئر و همکاران، ۱۹۹۷). بلاک وود و همکاران (۲۰۰۳)، به بررسی MRI افرادی که دارای سوگیری به نفع خود و افرادی که الگوی متضاد با سوگیری به نفع خود دارند، پرداختند. نتایج نشان داد که هنگام سوگیری به نفع خود، یعنی اسناد نتایج مثبت به عوامل درونی و اسناد نتایج منفی به عوامل بیرونی، جسم مخطط خلفی دو طرفه، فعال می‌شود. همچنین هنگام الگوی متضاد با سوگیری به نفع خود، یعنی اسناد نتایج مثبت به عوامل بیرونی و اسناد نتایج منفی به عوامل درونی، کر تکس پیشانی طرف چپ و شکنج زاویه‌ای طرف راست فعال می‌شود.

بسیار مهم است که فرایند سوگیری به نفع خود، در زمینه‌ای با نتایج مطلوب و نامطلوب، که افراد در مورد آنها اطلاعات عینی کمی دارند، بررسی شود، به این ترتیب می‌توان برداشت‌های

فردی آنان را مورد سنجش قرار داد. باورهای افراد جوان در مورد آینده ازدواج به نظر می‌آید در این محدوده قرار دارد. به عبارت دیگر هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال بود که آیا آزمودنی‌ها، افرادی را که با خودشان «ویژگی‌های جور» و مشترک داشته باشند بیشتر در ازدواج موفق می‌دانند یا کسانی را که «ویژگی‌های ناجور»<sup>۱</sup> داشته باشند؟ سوگیری به نفع خود با این پاسخ موافق است که افراد تصور می‌کنند که هرگاه دیگران با آنها دارای ویژگی‌های مشترکی باشند در ازدواج بیشتر موفق خواهند بود. هم چنین برای دوستی و جاذبه بین فردی دو نظریه مطرح است: نظریه اول معتقد است که افرادی که عقاید و ویژگی‌های مشابه و مشترک دارند به همدیگر علاقه‌مندند (ارونسون، ۱۳۸۴). مطالعات بیشماری گزارش شده که ادراک مشابهت در مورد بخش وسیعی از ویژگی‌های افراد، با جاذبه، رابطه داشته است (هوگ و دیگران، ۱۹۹۳). از جمله، «مشابهت در اجتماعی بودن» (جوینر، ۱۹۹۴). «ابراز هیجان‌ها به طور مشابه» (آلیجر و ویلیامز، ۱۹۹۱)، «تعلق به یک دین خاص» (کندل، ۱۹۷۸)، «داشتن خود پنداشت‌های مشابه»، «پذیرش هنجارهای سنتی مربوط به جنس» (اسمیت و همکاران، ۱۹۹۵) و «سحرخیز بودن در مقابل شب نشینی». موارد زیر تشابهاتی است که در منابع اسلامی به چشم می‌خورد: ۱. تشابه دوستان: «جان‌ها را شکل‌هایی است، پس آنان که هم شکل یکدیگرند با هم موافقت خواهند کرد و مردم به افراد مشابه با خود گرایش بیشتری دارند» (بحارالانوار، ج ۷۸، ۲). همتایی زن و شوهر: با مشاهده موارد عینی به روشنی می‌یابیم سنخیت و تناسب میان زن و شوهر از رموز زندگی‌های موفق و پایدار است. در روایات از همتایی و تناسب زن و شوهر با تعبیر «کفویت» یاد شده است (به نقل از آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲). نظریه دوم مکمل بودن نیازها را مطرح می‌کند که متضادها همدیگر را جذب می‌کنند. بدین معنا که مردم مایلند کسانی را برای ازدواج برگزینند که ویژگی‌ها و عقاید آنان، مکمل با ویژگی‌ها و عقاید خود آنها است (وینچ، ۱۹۵۸).

این پژوهش، با هدف بررسی ایجاد سوگیری به نفع خود در دو زمینه ۱. پیش‌بینی موفقیت ازدواج ۲. قضاوت در مورد احتمال بروز حوادث در آینده و به منظور پاسخگویی به سؤالهای زیر انجام گرفت: ۱. آیا متغیر «جور بودن»<sup>۲</sup> و ویژگی‌ها در پیش‌بینی موفقیت ازدواج نقش دارد. ۲. آیا بین زیرمجموعه‌ای از ویژگی‌های جور و زیرمجموعه‌ای از ویژگی‌های ناجور در پیش‌بینی موفقیت ازدواج تفاوت وجود دارد. ۳. آیا آزمودنی‌ها در مورد احتمال وقوع حوادث آینده، به صورت خوشبینانه قضاوت می‌کنند؟ ۴. آیا بین جنس و قضاوت خوشبینانه در مورد حوادث آینده رابطه وجود دارد؟

## ● روش

○ «جامعه آماری» مورد بررسی شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه اصفهان ورودی ۸۵-۸۱ می باشد. نمونه مورد پژوهش شامل ۲۱۲ دانشجو که ۱۰۷ نفر دختر دانشجو و ۱۰۵ نفر پسر دانشجو می باشند. نمونه گیری به روش تصادفی ساده انجام گرفت. همچنین آزمودنی ها به روش تصادفی در دو گروه الف و ب جایگزین شدند و این دو گروه، دو نوع مداخله متضاد را دریافت کردند.

○ ابزار. یکی از مهمترین مراحل در انجام این پژوهش، ساخت ابزار پژوهش بود. ابزار این تحقیق یک سناریوی «مداخله ای»<sup>۱۱</sup> بود که در پژوهش های روانشناسی اجتماعی، برای یکسان سازی مداخله ها از آن استفاده می شود. به این منظور، یک موقعیت فرضی شرح داده می شود و از آزمودنی ها خواسته می شود که در مورد آن موقعیت قضاوت کنند. بنابراین، در این پژوهش نیز آزمودنی ها یک نوشتار را دریافت و مطالعه کردند. در این نوشتار ابتدا مطرح شد که آمار طلاق در جوامع افزایش یافته و حتی در برخی گزارش ها به ۴۵ درصد رسیده است (این آمار کاملاً فرضی و به عنوان موقعیت محرک ارائه شده). توصیفی از یک تحقیق فرضی ارائه می شد که ویژگی های شخصیتی و عوامل زمینه ای مرتبط با پیامد ازدواج را مشخص می کرد. سپس، آزمودنی ها توصیفی از ویژگی های شخصی را که گفته می شد یکی از افراد شرکت کننده در این تحقیق است (یعنی فرد هدف یا «آزمودنی فرضی»<sup>۱۲</sup>)، را خواندند. سناریو متشکل از دو مجموعه ویژگی های متضاد، هر کدام شامل ۸ ویژگی متضاد بود. نیمی از آزمودنی ها (گروه الف) توصیف را این گونه خواندند که: ۱. مادر آن شخص شاغل است، ۲. او فردی برونگرا است، ۳. او فردی وابسته بوده است، ۴. او فردی مذهبی است، ۵. او از لحاظ سیاسی محافظه کار است، ۶. او با فردی از جنس مخالف ارتباط و دوستی نداشته است، ۷. او فردی سحرخیز است، ۸. او از نظر هیجانی بی ثبات و ناپایدار است. برای موازنه سازی طرح در گروه ب ویژگی های ۸ گانه در جهت مخالف ارائه شد. هدف اصلی این بود که کدام ویژگی ها (هماهنگ یا ناهماهنگ با ویژگی های فرد شرکت کنندگان در تحقیق) در پیش بینی موفقیت ازدواج نقش دارد. در صورتی که ویژگی های مورد نظر - مشابه ویژگی های شرکت کنندگان در تحقیق بود، سوگیری به نفع خود تأیید می گردید. همچنین پرسیده می شد تا چه اندازه آزمودنی ها رویدادهای آینده را برای خود مثبت می دانند. سنجش این دو، در بخش شیوه اجرا توضیح داده شده است. در این پژوهش فهرست ویژگی های تعیین شده، برای بررسی اعتبار صوری و محتوایی، هم در اختیار

متخصصین روانشناسی شناختی و اجتماعی قرار گرفت و هم اینکه به عنوان یک بررسی مقدماتی در اختیار ۳۰ آزمودنی قرار داده شد. با توجه به نتایج بدست آمده آخرین اصلاحات و تغییرات در پرسشنامه انجام شد.

○ شیوه اجرا. پس از انتخاب نمونه آماری شامل ۲۱۲ نفر، برای هر آزمودنی توضیح داده شد که هدف از این تحقیق بررسی «ویژگی‌های اسنادی» و تأثیر آن بر پیامد ازدواج می‌باشد و هدف واقعی تحقیق که بررسی سوگیری به نفع خود می‌باشد، پنهان نگاه داشته شد. بیان این هدف تحقیق در جلب آزمودنی‌ها بسیار مؤثر بود. سپس سناریو مداخله‌ای و سؤالات مربوط در اختیار آنها قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا در مورد هر ویژگی به طور جداگانه قضاوت کنند که آیا آن ویژگی چه مقدار در پیش بینی موفقیت ازدواج نقش دارد؟ بنابراین آزمودنی‌ها پاسخ خود را در یک طیف ۹ درجه‌ای لیکرتی از درجه ۱ (احتمال طلاق بسیار بالا است) تا درجه ۹ (احتمال ازدواج موفق بسیار بالا است) درجه‌بندی کردند. سپس از آزمودنی‌ها در مورد احتمال بروز حوادث مثبت و منفی برای خودشان، در آینده سؤال شد که پاسخ آنها از ۱۰ درصد تا ۱۰۰ درصد درجه‌بندی شد. در ضمن برای منحرف کردن ذهن آزمودنی‌ها از موضوع اصلی تحقیق، به دو طریق عمل شد اولاً، قبل از پرسیدن موضع خود آنها در این ویژگی‌ها، چند سؤال نامربوط از آزمودنی‌ها پرسیده شد. ثانیاً از آنها خواسته شد که ویژگی‌های خود را برای یک تحقیق دیگر که در ارتباط با رابطه این ویژگی‌ها و پیشرفت تحصیلی است، قید کنند. در پایان انجام تحقیق و حصول داده‌ها و واقعیت‌هایی که در مرحله اجرا از آزمودنی مخفی بود (مثلاً فرضی بودن سناریوی مداخله‌ای و آمارها و آزمودنی مندرج در آن) در اختیار او قرار داده شده و او نسبت به مداخله توجه گردید.

○ در این پژوهش از روش‌های آماری رگرسیون چندگانه با روش کدگذاری طبقه‌ای تأثیر، آزمون t مستقل، t همبسته و t تک نمونه استفاده شد. طرح‌های فاکتوریال، طرح‌هایی هستند که شامل چند متغیر مستقل طبقه‌ای اند. در طرح فاکتوریال، دو یا چند تقسیم‌بندی را ترکیب می‌کنند تا یک تقسیم‌بندی متقاطع حاصل شود (کرلینجر و پدهازر، ۱۳۸۴).

در این پژوهش به دلیل فراوانی‌های خانه‌های نابرابر از رگرسیون چندگانه استفاده شد. مع هذا، انجام یک تحلیل معمولی رگرسیون در این مورد دیگر مناسب نیست. به دلیل این که شاید برای نخستین بار در ایران از این روش آماری استفاده شده است که آن را به تفصیل بیشتری شرح می‌دهیم. از آن رو که نابرابری در تعداد آزمودنی‌ها در خانه‌های طرح، سبب ایجاد همبستگی بین

بردارها می‌شود. در نتیجه، نسبت واریانس به حساب آمده توسط هر یک از متغیرها تحت تأثیر آرایش متغیرها قرار می‌گیرد. راه حل مشکل، در شیوه طرح‌های آزمایشی این است که واریانس به حساب آمده توسط هر عامل را برای همبستگی آن با عوامل دیگر تعدیل کنیم. این راه حل در این خلاصه می‌شود که، در تحلیلی که مشتمل بر فقط تأثیرات اصلی است، افزایش ناشی از هر عامل را در نسبت واریانس برای وقتی که آن عامل آخر از همه وارد تحلیل شود ملاحظه کنیم. پس از آن، تعامل را برای همبستگی‌اش با تأثیرات اصلی باید تعدیل کنیم. به تعبیر دیگر، افزایش ناشی از تعامل در واریانس به حساب آمده وقتی ملاحظه می‌شود که تعامل آخر از همه وارد شود. این روش به صورتی در می‌آید که در فرمولهای زیر نشان داده شده است:

$$\text{فرمول ۱: افزایش ناشی از } A = R^2_{y.12} - R^2_{y.2}$$

$$\text{فرمول ۲: افزایش ناشی از } B = R^2_{y.12} - R^2_{y.1}$$

$$\text{فرمول ۳: افزایش ناشی از } A \times B = R^2_{y.123} - R^2_{y.12}$$

$$\text{فرمول ۴: افزایش ناشی از } 1 - R^2_{y.123}$$

اگر هر یک از نسبتهای واریانس حاصل از فرمول‌های ۱ تا ۳ را در مجموع مجزورات متغیر وابسته  $\Sigma Y^2$  ضرب کنیم، مجموع مجزورات مرتبط با آن حاصل می‌شود. به طور کلی، وقتی شیوه طرح‌های آزمایش مقتضی است که فراوانی خانه‌ها برابر نباشند، داده‌ها از آزمایش بدست آمده باشند و منظور هم، رسیدن به نتایج درباره تأثیرات اصلی و تعاملها باشد (کرلینجر و پدهازر، ۱۳۸۴).

## ● نتایج

برای بررسی متغیر «جور بودن» ناجور بودن ویژگی‌ها در پیش‌بینی موفقیت ازدواج، از روش آماری رگرسیون چندگانه به روش کدگذاری طبقه‌ای استفاده شد. متغیر «ویژگی‌ها» و متغیر «جور بودن» ناجور بودن به عنوان متغیر پیش‌بین و همچنین متغیر «پیش‌بینی موفقیت ازدواج» به عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شدند. بنابراین برای هر جفت ویژگی اسنادی متضاد یک رگرسیون چندگانه به روش کدگذاری تأثیر، به طور جداگانه انجام شده است. نتایج تحلیل فاکتوریال واریانس برای هشت جفت ویژگی متضاد، بطور جداگانه در جدول ۱ گزارش شده است.



جدول ۱- خلاصه تحلیل فاکتوریال واریانس با روش رگرسیون چندگانه با کدگذاری تأثیر برای هشت جفت ویژگی متضاد

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F
مادر شاغل / مادر خانه دار (A)	۲۰/۶۳۷۵	۱	۲۰/۶۳۷۵	*۸/۸۴۸۷
جور بودن / ناجور بودن (B)	۲۱/۸۶۰۵	۱	۲۱/۸۶۰۵	*۹/۳۷۳۳
اثر تعامل (AB)	۰	۱	۰	۰
باقی مانده	۴۸۵/۱۱۰۶	۲۰۸	۲/۳۳۲۲	
درونگرا / پرونگرا (A)	۸۵/۳۹۹۹	۱	۸۵/۳۹۹۹	*۲۰/۰۷۸۰
جور بودن / ناجور بودن (B)	۹/۱۱۳۴	۱	۹/۱۱۳۴	۲/۱۴۲۶
اثر تعامل (AB)	۶/۱۴۳۸	۱	۶/۱۴۳۸	۱/۴۴۴۴
باقی مانده	۸۸۴/۷۱۸۷	۲۰۸	۴/۲۵۳۴	
مستقل / وابسته (A)	۳۰۹/۴۹۰۵	۱	۳۰۹/۴۹۰۵	*۷۰/۳۹۷۹
جور بودن / ناجور بودن (B)	۲۵/۸۰۴۳	۱	۲۵/۸۰۴۳	۵/۸۶۹۵
اثر تعامل (AB)	۱/۶۱۲۷	۱	۱/۶۱۲۷	۰/۳۶۴۸
باقی مانده	۹۱۴/۴۴۰۵	۲۰۸	۴/۳۹۶۳	
مذهبی / غیرمذهبی (A)	۳۹/۲۴۵۲	۱	۳۹/۲۴۵۲	*۱۱/۲۵۱۵
جور بودن / ناجور بودن (B)	۱۳۱/۱۳۸۷	۱	۱۳۱/۱۳۸۷	*۳۷/۵۹۷۱
اثر تعامل (AB)	۰	۱	۰	۰
باقی مانده	۷۲۵/۵۱۳۱	۲۰۸	۳/۴۸۸	
آزادیخواه / محافظه کار (A)	۰/۳۲۶۲	۱	۳۲/۴۲	۰/۰۹۵۶
جور بودن / ناجور بودن (B)	۷۰/۷۸۸۰	۱	۷۰/۷۸۸۰	*۲۰/۷۵۲۲
اثر تعامل (AB)	۰	۱	۰	۰
باقی مانده	۷۰۹/۵۱۱۱	۲۰۸	۳/۴۱۱۱	
داشتن ارتباط / نداشتن ارتباط (A)	۵۳۶/۷۴۶۵	۱	۵۳۶/۷۴۶۵	*۱۵۲/۷۸۴۲
جور بودن / ناجور بودن (B)	۶۸/۰۰۱۶	۱	۶۸/۰۰۱۶	*۱۹/۳۵۶۵
اثر تعامل (AB)	۴/۱۱۳۰	۱	۴/۱۱۳۰	۱/۱۷۰۷
باقی مانده	۷۳۰/۷۲۳	۲۰۸	۳/۵۱۳۱	
سحرخیز بودن / شب‌زنده داری (A)	۸۷/۱۵۸۳	۱	۸۷/۱۵۸۳	*۲۷/۰۸۹۶
جور بودن / ناجور بودن (B)	۴۶/۱۰۸۵	۱	۴۶/۱۰۸۵	*۱۴/۳۳۰۹
اثر تعامل (AB)	۴/۱۴۶۴	۱	۴/۱۴۶۴	۱/۲۸۸۷
باقی مانده	۶۶۹/۲۳۷۰	۲۰۸	۳/۲۱۷۴	
نیات هیجانی / بی‌نیاتی هیجانی (A)	۸۹۰/۲۸۷۵	۱	۸۹۰/۲۸۷۵	*۳۱۴/۸۰۰۵
جور بودن / ناجور بودن (B)	۱۹/۳۴۵۴	۱	۱۹/۳۴۵۴	*۶/۸۴۰۴
اثر تعامل (AB)	۰	۱	۰	۰
باقی مانده	۵۸۸/۲۶۰۹	۲۰۸	۲/۸۲۸۱	

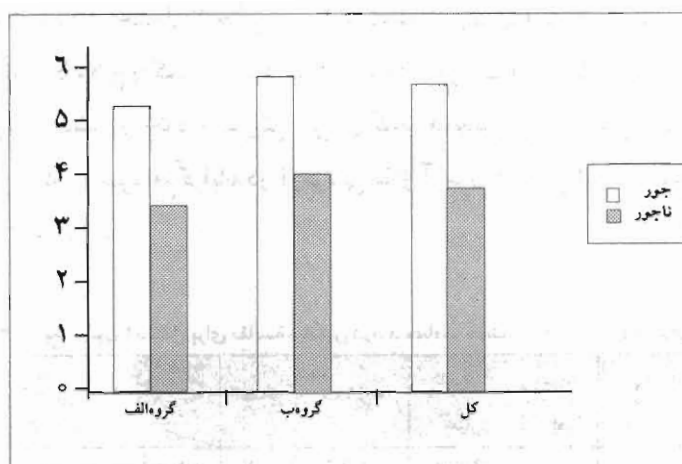
بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۱، نسبت F برای «جور بودن» ناجور بودن ویژگی‌ها در پیش‌بینی موفقیت ازدواج، برای ۶ جفت ویژگی معنی‌دار بوده است. بنابراین ۶ جفت ویژگی، که آزمودنی‌ها جور بودن در آن را برای موفقیت در ازدواج بهتر دانستند، عبارت بود از ۱. مادر شاغل / مادر خانه دار، ۲. مذهبی / غیر مذهبی، ۳. آزادیخواه / محافظه کار، ۴. داشتن ارتباط با جنس مخالف / نداشتن ارتباط با جنس مخالف، ۵. سحرخیز بودن / شب زنده داری، ۶. ثبات هیجانی / بی ثباتی هیجانی. نسبت F تنها در مورد ۲ جفت ویژگی معنی‌دار نبود. یعنی آزمودنی‌ها جور بودن در دو جفت ویژگی را برای موفقیت در ازدواج بهتر نمی‌دانند که عبارتند از ۱. «برون‌گرا» درون‌گرا» ۲. «مستقل» وابسته».

برای آزمودن این فرضیه که بین زیر مجموعه‌ای از ویژگی‌های جور و زیر مجموعه‌ای از ویژگی‌های ناجور در پیش‌بینی موفقیت ازدواج تفاوت وجود دارد باید میانگین نمرات آزمودنی‌ها در ویژگی‌های جور با میانگین نمرات آزمودنی‌ها در ویژگی‌های ناجور با هم مقایسه شود. بنابراین از سه آزمون t همبسته برای ۱. گروه الف (گروهی که ۸ ویژگی اول را دریافت کردند)، ۲. گروه ب (گروهی که ۸ ویژگی متضاد با گروه الف را دریافت کردند) و ۳. کل آزمودنی‌ها، استفاده شد. نتایج تحلیل این سه آزمون در جدول ۲ ارائه شده است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که تفاوت بین میانگین نمرات در ویژگی‌های جور و میانگین نمرات در ویژگی‌های ناجور هم در گروه الف و هم در گروه ب و هم در کل آزمودنی‌ها معنی‌دار می‌باشد ( $p < 0.001$ ). نمودار ۱ این تفاوت‌ها را به شکل برجسته‌تری نمایان می‌سازد.

جدول ۲- نتایج آزمونهای t همبسته برای مقایسه میانگین نمرات پیش‌بینی موفقیت ازدواج در معیارهای جور و ویژگی‌های

ناجور در سه گروه الف، ب و کل

گروه‌ها	شاخص‌ها ویژگی‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	نسبت t	سطح معنی‌داری
گروه الف	ویژگی جور	۱۰۸	۵/۶۷۷	۱/۱۵۶	۱۰۷	-۱۱/۶۸۶	۰/۰۰۱
	ویژگی ناجور	۱۰۸	۳/۷۲۷	۱/۳۱۵			
گروه ب	ویژگی جور	۱۰۴	۵/۹۰۵	۱/۴۲۴	۱۰۳	-۹/۰۸۵	۰/۰۰۱
	ویژگی ناجور	۱۰۴	۴/۲۴۹	۱/۱۴۰			
کل	ویژگی جور	۲۱۲	۵/۷۸۹	۱/۲۹۶	۲۱۱	-۱۴/۶۲۲	۰/۰۰۱
	ویژگی ناجور	۲۱۲	۳/۹۸۳	۱/۲۵۷			



نمودار ۱- مقایسه میانگین نمرات پیش‌بینی موفقیت ازدواج در ویژگی‌های جور و

ویژگی‌های ناجور در سه گروه الف، ب و کل.

نمودار ۱ نشان می‌دهد که در گروه «الف»، «ب» و در کل، میانگین نمرات در «ویژگی‌های جور» بیشتر از میانگین نمرات در «ویژگی‌های ناجور» است. یعنی آزمودنی‌ها زیر مجموعه‌ای از ویژگی‌های جور با خودشان را برای ازدواج بهتر می‌دانند. به منظور آزمودن این فرضیه که آزمودنی‌ها در مورد احتمال وقوع «حوادث منفی» (طلاق و بیماری لاعلاج) و «حوادث مثبت» (داشتن شغل پردرآمد و فرزندان موفق) به صورت خوشبینانه و غیرواقع‌گرایانه قضاوت و پیش‌بینی می‌کنند از آزمون  $t$  تک نمونه با ارزش مورد مقایسه برابر ۵۰ درصد استفاده شد که نتایج تحلیل در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون  $t$  تک نمونه برای مقایسه میانگین‌های مشاهده شده و

ارزش مورد مقایسه یا نمره برش درمورد احتمال وقوع حوادث

متغیر	شاخص‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ارزش مورد مقایسه	درجه آزادی	مقدار t
درصد احتمال وقوع طلاق	۲۱۲	۱۹/۹۵۲	۱۶/۸۷۶	۵۰	۲۱۱	-۲۵/۹۲۳*	
درصد احتمال ابتلا به بیماری لاعلاج	۲۱۲	۲۵/۳۳۰	۱۹/۸۴۲	۵۰	۲۱۱	-۱۸/۱۰۴*	
درصد احتمال داشتن فرزندان موفق	۲۱۲	۷۴/۴۳۴	۲۰/۸۳۹	۵۰	۲۱۱	۱۷/۰۷۲*	
درصد احتمال کسب یک شغل پردرآمد	۲۱۲	۶۲/۵۰۰	۲۱/۳۲۷	۵۰	۲۱۱	۸/۵۳۴*	

\* $p < ۰/۰۵$

نتایج ارائه شده در جدول ۳ حاکی از آن است که آزمودنیها احتمال حوادث منفی مانند طلاق و بیماری لاعلاج را کمتر از ۵۰ درصد و احتمال حوادث مثبت مانند شغل پردرآمد و فرزندان موفق را بیشتر از ۵۰ درصد پیش بینی می کنند. همچنین برای بررسی رابطه «جنس» با قضاوت خوشبینانه و غیر واقع گرایانه در آزمودنی ها از آزمون t مستقل استفاده شد. که نتایج در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین درصد قضاوت خوشبینانه در دو گروه دختران و پسران

متغیرها	شاخص ها		تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	سطح معنی داری
	دختران	پسران					
وقوع طلاق	۱۰۷	۱۰۵	۱۵/۵۱۴	۱۲/۷۵۵	۲۱۰	۴/۰۰۱	۰/۰۰۱
	۱۰۷	۱۰۵	۲۴/۴۷۶	۱۹/۲۶۴			
ابتلا به بیماری لاعلاج	۱۰۷	۱۰۵	۲۱/۴۰۱	۱۶/۱۶۲	۲۱۰	۲/۹۶۳	۰/۰۰۱
	۱۰۷	۱۰۵	۲۹/۳۳۳	۲۲/۳۷۲			
داشتن فرزند موفق	۱۰۷	۱۰۵	۷۸/۷۸۵	۱۸/۷۱۸	۲۱۰	-۳/۱۳۲	۰/۰۰۱
	۱۰۷	۱۰۵	۷۰/۰۰۰	۲۲/۰۱۳			
کسب یک شغل پر درآمد	۱۰۷	۱۰۵	۶۰/۵۶۰	۲۳/۵۴۵	۲۱۰	۱/۳۳۹	۰/۱۸۲
	۱۰۷	۱۰۵	۶۴/۴۷۶	۱۸/۷۰۷			

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که تفاوت بین دختران و پسران در قضاوت خوشبینانه و غیر واقع گرایانه در مورد درصد احتمال طلاق و بیماری لاعلاج و درصد احتمال داشتن فرزندان موفق معنی دار بوده است ( $p > ۰/۰۰۱$ ). ولی این تفاوت در مورد درصد احتمال داشتن یک شغل پردرآمد معنی دار نبوده است. یعنی دختران در مورد درصد احتمال طلاق و بیماری لاعلاج و داشتن فرزندان موفق خوشبینانه تر از پسران قضاوت و پیش بینی می کنند.

## ● بحث و نتیجه گیری

با توجه به تأثیرات جدی «سوگیری به نفع خود» بر قضاوت های روزمره و روابط بین فردی و همچنین تأثیر «فرهنگ» بر میزان این سوگیری بررسی آن در جوامع ایرانی، از اهمیت به سزایی برخوردار است. با توجه به اطلاعات بدست آمده در این پژوهش آزمودنی ها جور بودن در ویژگی های مادر شاغل / مادر خانه دار، مذهبی / غیر مذهبی، آزادیخواه / محافظه کار، داشتن ارتباط با جنس مخالف / نداشتن ارتباط با جنس مخالف، سحر خیز بودن / شب زنده داری، ثبات

هیجانی / بی‌ثباتی هیجانی را برای موفقیت در ازدواج بهتر از ناجور بودن در این ویژگی‌ها می‌دانند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش کاندا (۱۹۸۷)، بوسارد و بل (۱۹۵۷)، آلیگرو و ویلیامز (۱۹۹۱) همخوان است. همچنین آزمودنی‌ها جور بودن در ویژگی‌های درون‌گرا / برون‌گرا و مستقل / وابسته را برای موفقیت در ازدواج بهتر از ناجور بودن در این ویژگی‌ها نمی‌دانند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش کاندا (۱۹۸۷)، وینچ (۱۹۸۵)، هماهنگ است. در ارتباط با «جور بودن / ناجور بودن» ویژگی در ازدواج سه تبیین وجود دارد: ۱. طرفداران نظریه جور بودن یا مشابهت معتقدند که یکی از علل انتخاب ویژگی‌های جور احتمالاً این است که افراد برای عقاید و سلیقه‌های خود ارزش قائلند و از معاشرت با کسانی که انتخابهای آنها را تأیید می‌کنند لذت می‌برند و چه بسا از این راه «حرمت خود» آنها تقویت می‌شود. مشابهت در افکار، باورها و ویژگی‌ها به جهت برانگیختن عواطف مثبت، احساس تأیید و بالا رفتن حرمت خود موجب دوستی و جاذبه می‌شود. ۲. طرفداران نظریه ناجور بودن یا مکمل معتقدند که هر کسی در پی ارضای پاره‌ای از نیازهای شخصی است و همین نیازهای ارضا نشده هستند که فرد را به سوی انتخاب همسری می‌راند که به سبب دارا بودن ویژگی شخصی متفاوت، قابلیت برآورده ساختن نیازهای وی را داشته باشد. در ضمن اگر کسی ما را دوست بدارد، وقتی که با ما تفاوت داشته باشد او را بیشتر دوست خواهیم داشت. ۳. تبیین سوم به فرضیه پالودن یا جدا کردن معروف است، این فرضیه معتقد است در مراحل ابتدایی آشنایی نگرش‌ها و ویژگی‌های مشابه در رشد روابط نقش عمده دارند. ولی همراه با افزایش رابطه و با گذشت زمان نیازهای شخصی مکمل، نقش اصلی را بر عهده می‌گیرد.

○ همچنین نتایج تحلیل نشان داد که در گروه الف، هم در گروه ب و هم در کل آزمودنی‌ها «پیش‌بینی موفقیت ازدواج در ویژگی‌های جور»، بیشتر از ویژگی‌های ناجور می‌باشد. در این قسمت معنی‌داری تفاوت در پیش‌بینی موفقیت ازدواج در گروه الف و ب، مهمتر از کل آزمودنی‌ها است. زیرا نشان می‌دهد با اینکه در گروه دارای دو دسته ویژگی متضاد هستند ولی هر گروه باور داشت که ویژگی‌های خودش برای یک ازدواج موفق بهتر است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش گرین والد (۱۹۸۰)، کاندا (۱۹۸۷) و دایننگ (۱۹۹۱) هماهنگی دارد. توانایی افراد در دستیابی انتخابی به باورهایی که به بهترین نحو، حامی اهداف است، احتمالاً افراد را قادر می‌سازد تا دیدگاه‌های علی‌ب سازند که ویژگی‌های اسنادی و پیشینه خودشان در رسیدن به نتایج مطلوب بسیار مفید است. اکثر افراد گمان می‌کنند که در موفقیت ازدواج و کامیابی زناشویی از هم‌تایان متوسط خود بهتر می‌باشند. افراد به این دلیل دچار این سوگیری می‌شوند که تعاریف آنها، از

برتری به صفات و توانایی‌های خاص آنها بر می‌گردد (کاندا، ۱۳۸۴). نتایج این فرضیه یکی از عمده‌ترین یافته‌های این پژوهش است که می‌تواند تأییدی بر وجود سوگیری به نفع خود در آزمودنی‌ها باشد.

○ نتایج پژوهش حاضر نشان داد که آزمودنی‌ها احتمال وقوع حوادث منفی (طلاق و بیماری لاعلاج) را کمتر از ۵۰ درصد و احتمال وقوع حوادث مثبت (شغل پردرآمد و فرزندان موفق) را بیشتر از ۵۰ درصد برای خودشان پیش‌بینی می‌کنند. این یافته‌ها با نتایج کاندا (۱۹۸۷)، هین و لمن (۱۹۹۵)، گلویتزر و همکاران (۱۹۹۶) و دایننگ (۱۹۹۱) هماهنگ است. گلویتزر و همکاران بیان داشتند که افراد هنگام تصمیم‌گیری و قضاوت، یک دستگاه ذهنی عمل‌نگر تشکیل می‌دهند که حس آسیب‌پذیری آزمودنی‌ها را در مقابل خطرهایی مانند طلاق و بیماری کاهش می‌دهد. همچنین افراد در مورد اطلاعات اجتماعی، اغلب از قوانین آماری و نسبت‌های پایه غفلت، یا آنها را کم‌اهمیت می‌پندارند. بنابراین، در این پژوهش با اینکه در سناریوی مداخله‌ای نسبت پایه برای طلاق در جامعه، ۴۵ درصد عنوان شده بود، ولی آزمودنی‌ها احتمال طلاق را برای خود زیر بیست درصد برآورده کرده بودند. وقتی آزمودنی‌ها حافظه خود را در جستجوی اطلاعات مرتبط واریسی می‌کنند. موفقیت‌های گذشته خود را بیشتر به یاد می‌آورند که این خود باعث پیدایش پنداره‌های مثبت درباره آنها می‌شود (کاندا، ۱۳۸۴).

○ همانگونه که نتایج نشان داد «دختران» خوشبینانه‌تر از «پسران» در مورد وقوع حوادث آینده قضاوت و پیش‌بینی کردند. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش کالاکان و مانسید (۱۹۸۳) همخوان است ولی با نتایج، دو و فریس (۱۹۷۷)، مک‌هیو و همکاران (۱۹۸۲) ناهم‌هنگ است. در این مورد تحقیقات به ترتیب سه نوع نتیجه را نشان داده است: ۱. سوگیری به نفع خود در مردان بیشتر از زنان است (دو و فریس، ۱۹۷۷)، ۲. در سوگیری به نفع خود، بین زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد (مک‌هیو و همکاران، ۱۹۸۲)، ۳. سوگیری به نفع خود در زنان بیشتر از مردان است (کالاکان و مانسید، ۱۹۸۳). در تبیین این ناهم‌هنگی می‌توان چنین استدلال کرد که با گذشت زمان بواسطه تغییرات فرهنگی، به زنان بهای بیشتری داده شده که این خود می‌تواند باعث افزایش حرمت خود و در نتیجه افزایش سوگیری به نفع خود در آنها باشد. در مجموع با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که آزمودنی‌ها ویژگی‌های خودشان را برای پیش‌بینی نتایج مثبت بهتر می‌دانند که این خود نشانگر وجود سوگیری به نفع خود در پیش‌بینی‌ها و قضاوت‌های آنها می‌باشد. بنابراین بر خلاف فرهنگ‌های شرقی مانند چین و ژاپن، در فرهنگ ایرانی به میزان بیشتری از سوگیری به نفع خود استفاده می‌شود.

## یادداشت‌ها

- |                   |                       |
|-------------------|-----------------------|
| 1- Attribution    | 2- Self-serving bias  |
| 3- Self-criticism | 4- Self-enhancing     |
| 5- Self-deflating | 6- Self-esteem        |
| 7- Meta analysis  | 8- Optimistic         |
| 9- Mach attribute | 10- No mach attribute |
| 11- Vignette      | 12- Target person     |

## منابع

- آذربایجانی، مسعود؛ سالاری فر، محمدرضا؛ عباسی، اکبر؛ کاویانی، محمد؛ و موسوی اصل، سید مهدی. (۱۳۸۲). روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. تهران: سمت قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ارونسون، البوت. (۱۳۸۴). روانشناسی اجتماعی (ویرایش هشتم). ترجمه حسین شکرکن. تهران: انتشارات رشد.
- تری یاندریس، هری. (۱۳۸۳). فرهنگ و رفتار اجتماعی. ترجمه نصرت فتی. تهران: انتشارات رسانش.
- کانداه، زیوا. (۱۳۸۴). شناخت اجتماعی. چگونه دیگران و جهان را درک کنیم؟ ترجمه حسین کاویانی. تهران: انتشارات مهر کاویان.
- کرلینجر، فردریک؛ و پدهارز، الازار. (۱۳۸۴). رگبیین چند متغیری در پژوهش رفتاری. ترجمه حسن سرایی. تهران: سمت.
- Alliger, G. M.; & Williams, K. J. (1991). Affective congruence and the employment interview. *Advance Information Processing in Organizations*, 4, 31-43
- Baron, R. A.; & Byrne, D. (2004). *Social psychology* (10<sup>th</sup> edn.), Boston/New York: Pearson, Allyn & Baeon.
- Baumeister, R. F.; Stillwell, A.; & Wolman, S. R. (1990). Victim and perpetrator accounts of interpersonal conflict: Auto biographical narratives about anger, *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 994-1003.
- Blackwood, N. J.; Bentall, R. P.; & Firtche, D. H. (2003). *Self-respons aibility and the self serving bias: An FMRI investigation of causal attributions*. Available at: www.elsevier.com.
- Bossard, J. H. S.; & Boll, S. (1957). *One marriage two faiths; Guidance of interfaith marriage*, New York, The Ronald Press.
- Brown, J. D.; & Rogers, R. J. (1991). Self-serving attributions: The role of physiological arousal. *Personality and Social Psychology Bullentin*, 17, 501-506.
- Bruer, G. E.; Stewart, M. M.; Mereier, M. A.; Agosti, V.; Leite, P.; Donovan, S.; & Quitkin, F. M. (1997). Outcome of cognitive behavioral therapy for depression: Relation to hemispheric dominance for verbal processing. *Journal of Abnormal Psychology*, 106, 138-144.

- Callaghan, C.; & Manstead, S. R. (1983). Causal attributions for task performance: The effects of performance outcome and sex of subject. *British Journal of Educational Psychology*, 53, 14-23.
- Deaux, K.; & Farris, E. (1977). Attributing causes for one's own performance: The effects of sex, norms, and outcome. *Journal of Research in Personality*, 11, 59-72.
- Dunning, D.; Perie, M.; & Story, A. L. (1991). Self-serving prototypes of social categories. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 957-968.
- Dunning, D.; & Hayes, A. F. (1996). Evidence for egocentric comparison in social judgment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 213-229.
- Gollwitzer, P. M.; & Moskowitz, G. B. (1996). *Goal effects on action and cognition*. Social psychology: Handbook of basic principles (pp. 361-399). New York: Guilford press.
- Greenwald, A. G. (1980). The totalitarian ego: Fabrication and revision of personal history. *American Psychologist*, 35, 603-618.
- Heine, S. J.; & Lehman, D. R. (1995). Cultural variation in unrealistic optimism: Does the west feel more invulnerable than the East? *Journal of Personality and Social Psychology* 68, 595-607.
- Hogg, M. A.; Cooper, Shaw, L.; & Holworth, D. W. (1993). Group prototypicality and sepersonalized attraction in small interactive groups. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 19, 452-465.
- Joiner, T. E. (1994). The interplay of similarity and self-verification in relationship formation. *Social Behavior and Personality*, 22, 195-200.
- Kandel, D. B. (1978). Similarity in real-life adolescent friendship pairs. *Journal of Personality and Social Psychology*, 36, 306-312.
- Kitayama, S.; Markus, H. R.; Matsumoto, H.; & Norasakkunkit, V. (1997). Individual and collective processes in the construction of the self: Self enhancement in the united state and self-criticism in Japan. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72, 1245-1267.
- Kunda, Z. (1987). Motivated inference: Self-serving generation and evaluation of causal theories. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 636-647.
- Lee, Y. T.; & Seligman, M. E. P. (1997). Are American more optimistic than the Chinese? *Personality and Social Psychology Bulletin*, 23, 32-40.
- McHugh, M. C.; Fisher, J. E.; & Frieze, J. H. (1982). Effects of situational factors on the self attributions of females and males. *Sex Roles*, 8, 389-397.
- Mezalis, A. H.; Abramson, L. y.; & Hyde, J. S. (2004). *Is there a universal positivist bias in*



*Attributions? A meta-analytic review.* Available at: [www.elsevier.com](http://www.elsevier.com).

Oettingen, G. (1995). *Explanatory style in the context of culture SNG.M*. Buchanan M.E.P. Seligman (Eds). Explanatory style.

Ross, M.; & Sicoly, F. (1979). Ego-centric biases in a variability and attribution. *Journal of Personality and Social Psychology*, 37, 322-337.

Seligman, M. E. P. (1991). *Learned optimism*. New York: Alfred A. Knopf.

Smith, E. R.; Byrne, D.; & Fielding, P. J. (1995). Interpersonal attraction as a function of extreme gender role adherence. *Personal Relationships*, 2, 161-172.

Taylor, S. E. (1989). *Positive illusions: Creative self-deception and the healthy mind*. New York: Basic Books.

Winch, R. (1958). *Mate selection: A study of complementary needs*. New York: Harper & Row.